



مهندس داود پناهی

ریاست محترم جمهوری در دفاعیه اعضای کابینه در مجلس شورای اسلامی از دو مشکل اساسی کشور" بیکاری و بحران آب" نام بردند.

اینجانب با حدود۲۸ سال سابقه خدمتگزاری مردم و دولت که چند سال اخیر مسئولیت اداره منابع کشور و شهرستان نقده را به عهده داشتم میخواهم تجربیات و آموخته های خود را در اختیار مسئولین ذیربط بگذارم. مشکل بیکاری و بحران آب علت نیستند بلکه معلول هستند. عوامل و فاکتورهایی که باعث شده بحران آب و بحران بیکاری بوجود آید زیاد است.

اما یکی از عوامل بسیار مهم این است که مدیران میانی و پایه، اطلاعات و آمار درست و دقیق به مدیران بالا گزارش نمیکنند.این نقطه آغاز انحراف تصمیم گیران است.

عامل دیگر اصول را رعایت نمیکنند یک کار انجام میدهند در عوض چند کار دیگر را خراب میکنند برای روشن شدن مطلب مصابیح را بیان میکنم:

منابع آب تعدید پذیر کل ایران به ۱۳۰ میلیارد متر مکعب بالغ میگردد.مطالعات و بررسی ها نشان میدهد که در سال ۱۳۸۶ از کل منابع آب تجدید شونده کشور حدود۸۹/۵ میلیون متر مکعب جهت مصارف کشاورزی،صنعت،معدن و خانگی برداشت میشده است که حدود۸۳ میلیون متر مکعب آن (۹۳ درصد) به بخش کشاورزی ،۵/۵ میلیون متر مکعب (۶ درصد) به به بخش خانگی و مابقی به بخش صنعت و نیاز های متفرقه دیگر اختصاص یافته است.

بر اساس شاخص فالکن مارک (سازمان ملل) ایران نیز اکنون در وضعیت بحران شدید آبی قرار دارد.بنابر شاخص های ذکر شده کشور ایران برای حفظ وضع موجود خود تا سال ۲۰۲۵ باید بتواند ۱۱۲ درصد به منابع آب قابل استحصال خود بیافزاید که این مقدار با توجه به امکانات و منابع آب موجود غیر ممکن به نظر میرسد. (۱)

در سال ۱۳۶۵ (زمان دانشجوئی اینجانب) مساحت مراتع کل کشور ۹۰ میلیون هکتار بوده است.کنتور بر اساس آمار ارائه شده در سایت سازمان جنگل ها و مراتع و آبخیزداری کشور کمتر از ۸۵ میلیون هکتار است یعنی در ۳۰ سال ، بیش از ۵ میلیون هکتار از سطح مراتع کاهش یافته است.به عبارت دیگر بیش از ۵ میلیون هکتار به سطح اراضی کشاورزی کشور افزوده شده است.این آمار مربوط به تخریب و کاهش مراتع میباشد. اگر از ۵ میلیون هکتار مراتع تخریبی نصف آن در اراضی آبی باشند یعنی ۲/۵ میلیون هکتار مازاد بر اراضی کشاورزی از آب های زیرزمینی بهره برداری میکنند.بر اساس آمار ها هر هکتار محصول آبی (با لحاظ کردن تخریب و مدر رفتن آب در کانال ها و مصرف واقعی)

تنها راه نجات کشور از بحران آب، نجات منابع طبیعی است

نمایانند از کالیبراسیون هکتارهای آبیاری در استان آذربایجان غربی

۱۰۰۰۰ متر مکعب آب مصرف میکند.بنابراین ۲/۵ میلیون هکتار مراتع تغییر کاربری داده شده حدود۲۵ میلیارد متر مکعب سالانه آب مصرف میکنند در صورتی که این مراتع در تولید و استحصال آب نقش داشتند. درحوزه آبریز دریاچه اورمی بر اساس گزارش ستاد احیای دریاچه اورمی حدود ۵۰۰ هزار هکتار اراضی آبی وجود دارد که نسبت به دهه ۱۳۵۰ ، ۲۰۰ هزار هکتار افزایش پیدا کرده است. (۲)

بر اساس بعضی از گزارشات مقدار اراضی آبی حوزه پیش از ۶۵۰ هزار هکتار است که باید بررسی دقیق صورت گیرد در این صورت میزان افزایش اراضی آبی بیش از ۳۰۰ هزار هکتار خواهد بود.سوال اینجاست که این حدود ۳۰۰ هزار هکتار افزایش اراضی آبی از کجا آمده است همانظوریکه اشاره شد قسمت اعظم این اراضی ، منابع طبیعی تخریب شده است که اکنون مورد بهره برداری کشاورزان قرار میگردد.

اگر برای هر هکتار زمین آبی ۱۰۰۰۰ متر مکعب آب در نظر بگیریم در حوزه آبریز دریاچه اورمی سالانه ۳ میلیارد متر مکعب آب توسط اراضی تخریب شده منابع طبیعی مصرف میشود.

میزان حجم آب تراز اکولرژیک دریاچه اورمی۱۴/۵ میلیارد متر مکعب است اگر با احتیاط میزان اراضی آبی افزایش یافته ناشی از تخریب منابع طبیعی را ۲۰۰ هزار هکتار در نظر بگیریم سالانه ۲ میلیارد متر مکعب آب از طریق این اراضی مصرف میگردد.

برای پروژه سد کانی سیب و احداث تونل آب‌رسانی از رودخانه زاب به دریاچه اورمی هزاران میلیارد تومان هزینه میشود در صورتی که میزان آب انتقالی سالانه ۵۰۰ هزار متر مکعب خواهد بود.

اگر اراضی ملی تخریب شده با یک عزم ملی جدی به شکل واقعی و عملی خلع پد و به طبیعت برگشت داده شود سالانه حدود۲ میلیارد متر مکعب آب در حوزه دریاچه اورمی صرفه جویی میگردد.

ممکن است گفته شود بازپس گیری این همه زمین (زرزاعی شده) از مردم امکان پذیر نیست.به عرض میرساند از هر روستا تعداد اندکی از اهالی اقدام به تخریب مرتع کرده اند بقیه اهالی نارضی از این هستند که چرا جلوی تخریب مراتع گرفته نمیشود خصوصا دامداران نیز از تخریب مراتع بسیار نارضی هستند. بنده براساس تجربه و مشاهدات عینی عرض میکنم که با توجه به این که اراضی ملی تخریب شده بدون تبعیض از تخریب کنندگان پس گرفته می شود هیچگونه اعتراضی صورت نمیگیرد.

طرح دیگری که پیشنهاد میشود برای مبارزه با بحران آب عملیاتی شرد این است که اراضی دیمی زیادی هستند که مالکان آنها از طریق لوله کشی و انتقال آب از جاه اراضی پایین دست، آنها را به اراضی آبی تبدیل کرده اند.مقدار زیادی از آب های زیرزمینی بدین طریق مصرف میشودکه باید جلوی آنها گرفته شود.

در حوزه آبریز دریاچه اورمیبه ۱۵ حوضه آبخیز وجود دارد که ۹ حوضه در استان آذربایجان غربی قراردارد. برداشت بی رویه از آب های زیرزمینی باعث خشک شدن بسیاری از چشمه ها شده و تعداد زیادی هم با کاهش دبی آب مواجه هستند.

در حوزه آبخیز گادر چای شهرستان نقده ، سد



گفتنی‌ها لپشتا

میزان مدیریت صحیح هر حوضه با میزان بحران آب آن حوضه ارتباط مستقیم وجود دارد به این معنی که اگر فرماندار شهرستانی حوضه آبخیز آنرا از لحاظ بهره برداری بهینه از منابع آب آن خوب مدیریت کند بحران آب آن حوضه با حوضه های دیگر متفاوت خواهد بود برای مثال دشت نقده و اشنویه و دشت اورمی که همجوار هم هستند اگر کشاورزان دشت اورمی (حوضه های آبخیز نازلو چای، شهر چای و باراندوز چای) از آبهای زیر زمینی ، بیرویه برداشت نمایند ولی کشاورزان دشت نقده و اشنویه (حوضه آبخیز گادر چای) از سیستم های نوین

آبیاری استفاده و از آبهای زیر زمینی بهره برداری بهینه نمایند قطعا وضعیت دو دشت همجوار از لحاظ بحران آب یکسان نخواهد بود برای همین است که اکولوژیستها معتقدند باید حوضه های آبخیز واحد های مدیریت در نظر گرفته شوند .

محله گادار چای در استان آذربایجان غربی

میزان مدیریت صحیح هر حوضه با میزان بحران آب آن حوضه ارتباط مستقیم وجود دارد به این معنی که اگر فرماندار شهرستانی حوضه آبخیز آنرا از لحاظ بهره برداری بهینه از منابع آب آن خوب مدیریت کند بحران آب آن حوضه با حوضه های دیگر متفاوت خواهد بود برای همین است که اکولوژیستها معتقدند باید حوضه های آبخیز واحد های مدیریت در نظر گرفته شوند

محله گادار چای در استان آذربایجان غربی

اینکه گفته میشود از جاههای غیر مجاز بهره برداری بی رویه میشود درست نیست اولاً مجاز و غیر مجاز باهم فرقی ندارند یکی آینده نگرو و باهوش بوده، رفته پروانه بهره برداری گرفته و یکی بیسواد وبی اطلاع و یا مشکلاتی داشته توانسته پروانه بگیرد هر دو کشاورز و همسایه هم هستند زمین و خاک هر دو از کیفیت یکسان برخورداراست حال کسی که پروانه ندارد چاهش پر شود صورت مسئله را پاک کردن است والا آب آن زمین هم باید تاهین شود چراکه صاحب آن زمین از درآمد آن زندگی خانواده اش را می چرخاند و هم تولید ملی است کشور به تولید آن احتیاج دارد لذا مشکل مدیریتی وجود دارد .

پیشنهاد میشود به کلیه جاهها کشاورزی بخصوص جاههایی که دارای اراضی کشاورزی حاصل خیز و توجیه اقتصادی بالایی دارند به شرط اینکه از فن آوری های نوین آبیاری بهره برداری نمایند پروانه صادر شود. بدین ترتیب مصرف آب به یک چهارم کاهش پیدا خواهد کرد

در رابطه با بحران آب نکته بسیار مهمی که وجود دارد این است که این بحران بصورت منطقه ای است به عبارت دیگر درهریک از حوضه های آبریز کشور

اجتماعی

تنها راه نجات کشور از بحران آب، نجات منابع طبیعی است

نمایانند از کالیبراسیون هکتارهای آبیاری در استان آذربایجان غربی

مفاوت است. عرصه حوضه‌های آبخیز کشور شامل ۶ ایرحوضه (بر اساس تقسیمات تمآب، وزارت نیرو) برابر با مساحت کل کشور می‌باشد، که هر یک از این حوضه‌ها خود به حوضه‌های کوچک و تا چندین رده نیز کوچکتر تقسیم می‌شوند. این شش ابر حوضه عبارتند از: ۱– حوضه آبخیز دریای خزر ۲– حوضه آبخیز خلیج فارس و دریای عمان ۳– حوضه آبخیز دریاچه اورمی، ۴– حوضه آبخیز فلات مرکزی ۵– حوضه آبخیز مرزی شرقی ۶– حوضه آبخیز قره‌قوم. حوضه های آبریز بزرگ به حوضه های آبخیز تقسیم می شوند حوضه آبریز دریاچه اورمی شامل سیزده حوضه آبخیز است ،نه حوضه آبخیز آن در استان آذربایجان غربی قرارا دارد .

با توجه به نحوه مدیریت و بهره برداری از منابع آب و میزان بارندگی در هر حوضه آبخیز ،وضعیت و شرایط موجود آنها متفاوت است.

میزان مدیریت صحیح هر حوضه با میزان بحران آب آن حوضه ارتباط مستقیم وجود دارد به این معنی که اگر فرماندار شهرستانی حوضه آبخیز آنرا از لحاظ بهره برداری بهینه از منابع آب آن خوب مدیریت کند بحران آب آن حوضه با حوضه های دیگر متفاوت خواهد بود برای مثال دشت نقده و اشنویه و دشت اورمی که همجوار هم هستند اگر کشاورزان دشت اورمی (حوضه های آبخیز نازلو چای، شهر چای و باراندوز چای) از آبهای زیر زمینی ، بیرویه برداشت نمایند ولی کشاورزان دشت نقده و اشنویه (حوضه آبخیز گادر چای) از سیستم های نوین آبیاری استفاده و از آبهای زیر زمینی بهره برداری بهینه نمایند قطعا وضعیت دو دشت همجوار از لحاظ بحران آب یکسان نخواهد بود برای همین است که اکولوژیستها معتقدند باید حوضه های آبخیز واحد های مدیریت در نظر گرفته شوند .

محله گادار چای در استان آذربایجان غربی

اینکه گفته میشود از جاههای غیر مجاز بهره برداری بی رویه میشود درست نیست اولاً مجاز و غیر مجاز باهم فرقی ندارند یکی آینده نگرو و باهوش بوده، رفته پروانه بهره برداری گرفته و یکی بیسواد وبی اطلاع و یا مشکلاتی داشته توانسته پروانه بگیرد هر دو کشاورز و همسایه هم هستند زمین و خاک هر دو از کیفیت یکسان برخورداراست حال کسی که پروانه ندارد چاهش پر شود صورت مسئله را پاک کردن است والا آب آن زمین هم باید تاهین شود چراکه صاحب آن زمین از درآمد آن زندگی خانواده اش را می چرخاند و هم تولید ملی است کشور به تولید آن احتیاج دارد لذا مشکل مدیریتی وجود دارد .

پیشنهاد میشود به کلیه جاهها کشاورزی بخصوص جاههایی که دارای اراضی کشاورزی حاصل خیز و توجیه اقتصادی بالایی دارند به شرط اینکه از فن آوری های نوین آبیاری بهره برداری نمایند پروانه صادر شود. بدین ترتیب مصرف آب به یک چهارم کاهش پیدا خواهد کرد

در رابطه با بحران آب نکته بسیار مهمی که وجود دارد این است که این بحران بصورت منطقه ای است به عبارت دیگر درهریک از حوضه های آبریز کشور

به بهانه ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان در ۲۵ نوامبر



جایی که به ناحق با مردها یکسان قبول می‌شوی آنجایی که برای توجیه نابرابریها طرفتهای روحی و جسمی ات را بر سرت میکوبند اما در جاهایی که باید این ویژگیهای زنانه ات را ببینند نمی بینند! چون زن هستی، چون روح و جسمت ظریفی است قضاوت حق تون نیست! حضانت برای تو زیادِ است! بحث طلاق را نباید تو پیش بکشی! چون زود احساساتی می‌شوی، اما در موقع کار باید مثل یک مرد کار کنی. هر کجا که باشد پشت‌کوه هم که باشد باید بروی برای نان در آوردن. با مردها یکسان هستی! مهم نیست امنیت جانی داری یا نه! مهم نیست روح و جسم ظریف‌ت تاب شرایط سخت محیط کار را

اما در قانون ارث و خیلی چیزهای دیگر از این ویرتین پایین کشیده شوی. خشونت و آزار تنها در دهان خونین و پای شکسته و چشم کیود شده تعریف نمی‌شود. اینها خوب میشوند اما آنچه التیام نمی یابد روح و روان آزرده و بیمار زنان یک جامعه است که نسل سالمی را نخواهند توانست پرورش دهند، زخمی است که بر پیکره جامعه فرود می آید و همه جای آن را آسیب میرساند خشونت، آزار و تحقیر، همان تناقض‌های نامرئی است که در قوانین مدنی و جزایی زن بودند مترادف «ضعیفه بودن» تعریف میشود اما در وانفسای کار و نان در آوردن توجهی به جنسیت نمی‌شود و همانند مردها دیده می‌شوی، تنها

جشنشان مذکور است و جنس تو را سنجختی یا این حیطه ها نیست که اگر چنین نباشی میگویند مثل خود نیستی، مثل خود نوشته ای، مثل خود سخن نگفته ای و باید توانش را با آنها تنهایی بدعی یا اینکه نقابی به صورتت بزنی و خودت نباشی، خودت را پنهان کنی تا باب میل و ذائقهی این بازار و کالای خوبی شوی و خریدار پیدا کنی تا برای مرد کافی باشی…

خشونت جاهایی است که تو را باید ببیند و نمیبینند اما در مواقعی که مورد نیاز هستی بشوی تابعی برای ابراز وجود، برای موجه جلوه دادن ها، اینکه در تقویم یک جایی اسمت نوشته شود و ویرتین خوبی شوی برای روز زن و روز دختر…

اتوبوس هست، همین یک وجب جای نشستن هست که باید خودت را مجاله کنی تا آقایان محترم سوهان روحت نشوند. برای ارضای هوسهای لجام گسیخته شان! که همین جا هم انگار زیادی هستی؟! خشونت کنار خیابانهای گرم تابستان و سرد زمستان ساعتها سر پا ایستادن است که هر سواری شخصی جلویت ترمز کرده و اصرار کند به سوار شدن و تو سوار نشوی و آنوقت چند متلک آنچنانی بارت کنند، اما پشت سرش چند تاکسی خالی از جلوی چشمه‌ایت ویراژ بکشند و بروند. خشونت هنجاری است که تو را و میدارد تا از جنسیت خود برای رتق و فتق امور استفاده کنی! همان رییس اداره و شرکت و موسسات که توانایی کارت را نمی‌خواهد و نمیبیند در عوض به جایش عشوه و نازت را می‌خواهد و اگر این معامله نا نوشته را امضا کنی آن آقای رییس انگ بداخلاق و خشک بودن به تو میزند و تحقیرت می‌کند و کارت تا مدت‌ها لنگ میماند! چون جرم‌ت این است که طرفت‌های زنانه و مهتر را برای یک نفری که در دلت جایش داده ای یا خواهی داد نگه داشته ای، خشونت سیستمی است که تو را برای مورد پسند واقع شدن در این آشفته بازاری که اسمش را ازدواج گذاشته اند عروستک می‌خواهد! هر چه پر زرق و برقتر مشتری پسندتر! اینکه نقشش را فقط (دقت کنید میگویم فقط!) در اتاق خواب و آشپزخانه ببینی، اینکه جامعه و سیاست و اقتصاد و اندیشه و هنر و کار و… همه

خشونت و آزار تنها در دهان خونین و پای شکسته و چشم کیبود شده تعریف نمی‌شود. اینها خوب میشوند اما آنچه التیام نمی یابد روح و روان آزرده و بیمار زنان یک جامعه است که نسل سالمی را نخواهند توانست پرورش دهند، زخمی است که بر پیکره جامعه فرود می آید و همه جای آن را آسیب میرساند خشونت، آزار و تحقیر، همان تناقض‌های نامرئی است که در قوانین مدنی و جزایی زن بودند مترادف «ضعیفه بودن» تعریف میشود



خشونت و آزار تنها در دهان خونین و پای شکسته و چشم کیبود شده تعریف نمی‌شود. اینها خوب میشوند اما آنچه التیام نمی یابد روح و روان آزرده و بیمار زنان یک جامعه است که نسل سالمی را نخواهند توانست پرورش دهند، زخمی است که بر پیکره جامعه فرود می آید و همه جای آن را آسیب میرساند خشونت، آزار و تحقیر، همان تناقض‌های نامرئی است که در قوانین مدنی و جزایی زن بودند مترادف «ضعیفه بودن» تعریف میشود

ابر حوضه

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز

حوضه آبخیز